**١٠٤ - تحرّی حقیقت [[1]](#footnote-1)**

و نیز از حضرت بهاءاللّه در لوح خطاب به نصیر است . قوله الاعلی : قسم بخدا آنچه بر مظاهر احدیّه وارد شده و میشود از احتجاب ناس بوده مثلاً ملاحظه نما در ظهور اوّلم که باسم علیّ علیم در ما بین آسمان ظاهر شد و کشف حجاب فرمود اوّل علمای عصر بر اعراض و اعتراض قیام نمودند اگر چه اعراض امثال این نفوس بر حسب ظاهر سبب اعراض خلق شد ولکن در باطن خلق سبب اعراض این نفوس شده‌اند مشاهده کن که اگر ناس خود را معلّق بردّ و قبول علماء و مشایخ نجف و دونه نمیساختند و مؤمن باللّه میشدند مجال اعراض از برای این علماء نمیماند چون خود را بی‌مرید و تنها ملاحظه مینمودند البتّه به ساحت قدس الهی میشتافتند و لا بدّ بشریعۀ قدم فائز میگشتند و حال هم اگر اهل بیان از تشبّث به رؤساء خود را مقدّس نمایند البته در یوم اللّه از خمر معانی ربّانی و فیض سحاب رحمت رحمانی محروم نگردند باسمم حجبات غلیظه را بردرید و اصنام تقلید را بقّوت توحید بشکنید و به فضای رضوان قدس رحمان وارد شوید ... چه که هر نفسی را کامل خلق نمودم تا کمال صنعم مشهود آید پس درینصورت هر نفسی بنفسه قابل ادراک جمال سبحان بوده و خواهد بود چه اگر قابل این مقام نباشد تکلیف از او ساقط .

و در لوحی دیگر است قوله الاعلی : انسان چون به مقام بلوغ فائز شد باید تفحّص نماید و متوکّلاً علی اللّه و مقدّساً عن الحبّ و البغض در امری که عباد بآن متمسّک‌اند تفکّر کند و بسمع و بصر خود بشنود و ببیند چه اگر به بصر غیر ملاحظه نماید از مشاهدۀ تجلیّات انوار نیّر عرفان الهی محروم ماند احزاب مختلف در عالم موجود و هر حزبی خود را حق دانسته و میدانند قوله تعالی کلّ حزبٍ بما لدیهم فرحون .

و در کلمات فردوسیّه است قوله الاعلی : خرد پیک رحمن است و مظهر اسم علّام باو مقام انسان ظاهر و مشهود ، اوست راهنما و دارای رتبۀ علیا از یمن تربیت او عنصر خاک دارای گوهر پاک شد .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : در هر مسأله تحرّی حقیقت کنید نه اصرار در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجرّ به منازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند .

و در جواب نامۀ جمعیت صلح لاهای قوله العزیز : از جمله تحرّی حقیقت تا عالم انسانی از ظلمت تقالید نجات یابد و به حقیقت پی برد این قمیص رثیث هزاران ساله را بدرد و بیندازد و پیراهنی که در نهایت تنزیه و تقدیس در کارخانۀ حقیقت بافته شده بپوشد و چون حقیقت یکی است و تعدّد قبول نمیکند لهذا افکار مختلفه منتهی بفکر واحد گردد .

1. در قرآن کریم است قوله تعالی : قل انظروا ما ذا فی السّموات و الارض و یتفکّرون فی خلق السّموات و الارض ربّنا ما خلقت هذا باطلاً قال ربّ زدنی علماً . و در حدیث است دواء العی السؤال . ( مجمع البحرین ) و در قرآن کریم است قوله تعالی : و امرهم شوری بینهم و شاور هم فی الامر و اذا عزمت فتوکّل علی الله . و قال ابوهریرة رضی الله تعالی عنه قال النّبی صلی الله علیه و سلّم حین سئل یا رسول اللّه اذا خرجت من الدّنیا فظهْر الارض خیرٌ لنا ام بطنها اذا کان امراؤکم خیارکم و اغنیاؤکم اسخیاؤکم و امورکم شوری بینکم فظهر الارض لکم خیرٌ من بطنها و اذا کان امراوکم حرارکم و اغنیاؤکم نجلاؤکم و امورکم الی نسائکم فبطن الارض لکم خیر من ظهرها . [↑](#footnote-ref-1)